

جهان را جمالی به بندار من
همانا نکو کار تر در جهان
کجا با خبر باشد از مردمی
بران گفتم اینرا که گوید بهار
بهار اوستاد است و چون اوستاد
همی گویم ایدون که گفت آن حکیم
اگر چه بکوشم بباریک و هم
جز از مردم نیک کردار نیست
کس از مردم دل بدست آر نیست
که از حال مردم خبر دار نیست
(جهان جز که نقش جهاندار نیست)
نگفتن سخن بنده را عار نیست
که بهتر از اینم ستقفار نیست
براین پرده اندر مرا بار نیست

❖ النقاد ❖

بقلم حضرت فاضل کامل آقامهدی هراقی بشری

حضرت آقای وحید در شماره نهم مجله شریفه ارمغان مکتوب فاضل محترم آقای ملک الشعراء بهار مذیل به قصیده تاریخی مرحوم صبارا درج فرموده بودید حقیقتاً نشر این قبیل آثار نه تنها از نقطه نظر ادبی بلکه بیشتر از وجهه تاریخی خیلی ذقیمت است و از امثال آقای ملک الشعراء باید کاملاً ممنون بود که زحمت جستجو را بخود داده از گوشه و کنار این جواهر منشوره را در دست رس عامه گذارده و هر روز یک مفتاحی برای تاریخ ادبیات و ادبیات تاریخی بدست میدهند ولی چون در شان نزول این قصیده تاریخی به گمان منده مختصر اشتباهی رخ داده بود تسمیماً للفائده با استجازه از نویسنده محترم آن مقاله شرح ذیل را عرض میکنم که در صورت تصویب درج فرمائید. اینکه تصور فرموده اند این قصیده در شکایت از غلبه قاجاریه گفته شده و از عناوین ننده آن آقا محمد خان قجر مقصود است گویا چنین نیست برای توضیح این مطلب لازم است عرض کنیم که جعفر خان پدر لطفعلی خان که در عصر خود پادشاه جنوبی ایران و حریف آقامحمد خان قاجار و مرکزش در شهر نیراز بود بدست صید مرادخان و چند نفر دیگر از امراء زند مقول گردید

لطفعلی خان پسرش در آنموقع در بنادر بود و پس از شنیدن این حادثه بحاکم بوشهر پناهنده شده و بالاخره بهمراهی مشایخ بنادر و موافقت سرکردگان ایلات و مساعدت میرزا حسین فراهانی (عموی میرزا عیسی قایم مقام اول) وزیر وقت بشیراز آمده برغاصب تاج و تخت و قاتل پدر خود فائق وغالب گردید گوینده این قصیده درموقعی که لطفعلی خان به بوشهر بوده این قصیده را از شیراز (نه اصفهان بنوعی که آقای بهار تصور فرموده اند) گفته و بار فرستاده است دلائل این مطلب اولاً اینکه در این قصیده تصریح شده که (هست لازم پسر خواستن خون پدر) و معلوم است که قاتل پدر لطفعلی خان صید مراد خان بوده ثانیاً این قصیده موقعی گفته شده که لطفعلی خان در بوشهر بوده و در تمام مدت مبارزه آقا محمد خان و لطفعلی خان درمی هرگز بوشهر نرفت و درخاتمه اگر اجازه فرمائید میخواهم بیک غلطاملائی که در همین مکتوب دیدم متوجه شوم نویسنده محترم آقا محمد خان را (آغا محمد خان) نوشته شاید تصور فرموده اند که چون آغابه خواجه سرایان گفته میشود و آقا محمد خان باصطلاح امروزه خواجه (خصی) بوده باید او را آغسا نوشت. اینهم درست نیست وجه تسمیه مشارالیه باین اسم این است که در موقعیکه محمدحسن خان قاجار از ترس نادر شاه بصحرای ترکمان فراری بود عیال او مادر آقا محمد خان مخفیانه در خانه سید مفید استرابادی میزیست و در همانجا آقا محمد خان متولد شد برای اینکه انتساب او به محمدحسن خان مخفی ماند سید او را در جزو اولاد خود قرار داده و مدتها باسر آقا محمد و بالاخره باسر آقا محمد خان معروف گردید

از سلطان آباد بتاريخ ۲۰ دیماه ۱۳۰۹ مهدی الحسینی یشرای